

که دو عالم حتی بسند بر نغز که یک در که یکی همان که می در گذردن بر قطره  
غفور در که مغزنی زلالی صاف جرمی محواید غفور در که بر قطره عاقلیند  
بیتیک کما حای عواذ بره بر تده و چون که زنده ارا و معتمد سرادقات استند  
بر قدم بجز بر غزیز در که هزاران جان عزیزان سر بر ده نماندن رفته  
گشتن آید مزه بر بقدر در که حیات سلطنتیل هر موجود مقهور نماید که  
جالی بکتاب سیر بر دتر مسرور سمیع در که حسن الت بون بصیر در که  
بصر نآفت بون مرید و سکا را و تده علف بون خالی در که مخلوقه  
نمایست بون جواد در که بخشند غرض بون حنی در که حیوانند  
مرض بون موجود در که امکان بون دایم در که امکان بون  
سویستور ولی سوزی جسدن دکا وصل اول تا وصلی فتنن دکا  
هر شب فریب بر قرنی مکانی دکا هر موجود بلور صیغی زمانی دکا  
قبوس در که عالم آنو که قایم بقا صندر که حیا منصف دایم و جا بود که  
کینیک شستی و ارا و رزاق در که حزنه سنده بون بون غنی در که  
هیچ فقر کورمز کا مگر که انجلی نقیص الی بریز وارت در که اول دینی  
اول مالک با بقدر که باقی بقی مالک واجب در که انجلی واجب بون  
اول و در که کا هند حاج بون مطلق در که کبریت جان بستم با در که  
هر مؤمنه همان نبش مانع در که نوله و بر مالکند معضل در نواضی  
ملکند فنا در اجود لتری و دود در اجود کو کلامی کبیر در که  
اصدا دکا صدق و عدلی حکم دکا سنار و قولن زک کما حنی

بج

محبوب مظلوم که آهنی قاصد بلوانک حاجاتی سمیع در غفور  
مشا جاتی کاینده بر منشی دافع در هر منی جبار در که سنگت انجلی  
یون قبا در که قدر نده لطف چون قاضی در که سینه غمور ادنی  
با سطر در که فتنه عکرم الینی حاض در ترغ اهلنی رافع در ترغوض  
ایلمنی خیل در شتر زنی مغز در شتر زنی عادل در که مکنده عظیم بون  
مسور در که فتنه حای چون خبر در که لوستی حسنی بر خبر شری  
لطیف در که لظنی بی عد منعم در که کفنی حده واسعد در بر سینه دست  
اندر که کرم در عالمه مکرست لندن معزور در هر سوزنی معینند  
مسیر علی در علوی فو خانی دکا عظیم و عظیمی بسا دکا کجور  
بکری اول قولن رذوف در رحمت ایدر بحر ملان و اهلین در حیا  
پاعت در امانی حمید و در هدله تحید ره کو گنده حاضدر جزنده  
حاضر در سهر و فتنه مغیند در هر منی لندن جلیدر جلال دانندن  
رت ارضی مرت در ایما بولندی معسط در اند منعم در اهلن  
دالی در ملکند معالی در عز ننده مدیح در که ابدان نظره مثال کفر  
مدیح در که اختراع صورت و مثال کو کره هم محبت هم محراب هم  
طالب در هم مطلوب هم دود در هم مود و هم استا در هم استود  
بقیبه حاضره قریب بر باظر طالع در ماجه محمی در واجد سلا  
آفتن مؤمن عاباندر حکم در نوله بر سر منجز در نواضی  
محمد در نجدی حینی قوبر قوی محبتی منین در من حکم حکیم حنی